

عنوان مقاله:

روایت شکنی در شعر پسامدرن فارسی

محل انتشار:

مجله ادبیات پارسی معاصر، دوره 6، شماره 2 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

نصرت‌الله امامی - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

قدرت قاسمی پور - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

منوچهر جوکار - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

علی یاری - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

خلاصه مقاله:

بهره مندی شعر گذشته و معاصر فارسی از روایت مندی انکارناپذیر است. از چشم انداز روایت پذیری، می توان میان سه دوره شعر کهن، شعر نو و شعبه های آن و سرانجام جریان های تازه شعری که در دهه هفتاد خورشیدی رایج شدند، تفکیک قایل شد. شتاب در برگرداندن و تالیف آثار مربوط به فلسفه پست مدرن در دهه یادشده و آشنایی شاعران با چهارچوب های نظری آن، در دستگاه زیبایی شناسی سرایندهان و خوانندگان دگرگونی های آشکاری پدید آورد و به برآمدن جریان هایی در شعر فارسی انجامید که نزد گروهی از شاعران و منتقدان به پسامدرن معروف شد. از جمله این دگرگونی ها، نوع پرداختن این شاعران به عنصر روایت در شعر بود؛ توجه به مباحثی هم چون مرگ مولف، زمان پریشی، نسبی گرایی، عدم قطعیت معنا، چندصدایی، روان گسیختگی و... هم چنین اعتنا به امکانات هنری رمان نو و تأثیر پیشتاز، روایت مندی شعر را با گسست های بسیار درآمیخت. شاعران پسامدرن برای تعویق و تعلیق معنا، مرکزیت گریزی و سلب اقتدار مولف و چندکانونی کردن شعر و مشارکت خواننده در تکمیل معنا، تمهیداتی را به کار بستند که ما در این مقاله عنوان «روایت شکنی» را برای این ترفندها برگزیده ایم و مهم ترین گونه های آن را با ذکر نمونه هایی از در شعر شاعران پسامدرن در پنج دسته: «روایت های چندگانه»، «فاصله گذاری»، «مرزشکنی روایی»، «فراشعر» و «روایت ناتمام» طبقه بندی و تحلیل کرده ایم.

کلمات کلیدی:

شعر پسامدرن، روایت شکنی، روایت ناتمام، فراشعر، مرزشکنی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1279803>

